

پرچم دکتر خیامپور

ترجمه و تلخیص از مقاله آقای احمد آتش

نشریات قریب

چند کتاب خطی مهم فارسی و عربی در کتابخانه عمومی قسطمونی

در بعضی از شماره‌های گذشته نشریه (سال سوم، ص ۱۷۳ - ۱۶۶ و سال هفتم، ص ۲۴۸ - ۲۴۱ و ۲۹۹ - ۲۸۵) چند کتاب خطی فارسی که در کتابخانه‌ای ترکیه موجود است با ترجمه و تلخیص از بعض مقاله‌های فاضل ارجمند آقای احمد آتش بخوانندگان محترم نشریه معرفی کرده بودم. اکنون نیز میخواهم چند کتاب خطی دیگر را از فارسی و عربی که در کتابخانه عمومی قسطمونی از شهرهای شمال غربی آنا طولی هست و فاضل نامبرده در مجله ادب‌انس (جلد پنجم، شماره نخستین، ص ۴۶ - ۲۸) بتفصیل از آنها بحث کرده اند بهمان ترتیب معرفی نمایم.

مجموعه شماره ۲۷۱۳ کتابخانه عمومی قسطمونی که دارای ۲۷۰ برگ میباشد و قید استنساخ آن در برگ ۱۷۹ (الف) «یونس بن عبدالله، شعبان ۶۱۵» و در برگ ۲۷۰ (ب) «یوم الخمیس، ۲۵ شعبان ۶۱۵» است حاوی سیزده کتاب است بقرار زیر:

۱ - از برگ ۱ (الف) تا برگ ۵۷ (الف) «کتاب الخلوة والنقل فی العبادة و درجات المابدین» است از تألیفات ابو عبداللہ العارث بن اسد المحسّبی که بتاریخ ۱۶۵ هجری تولد یافته و در ۲۴۳ در گذشته است و بکی از علمای صوفیه و واضح اصول «محاسبة نفس» میباشد.

این کتاب اصولاً حاوی بعض وصایای تصوفی و پاسخهای سؤالاتی راجع به معرفت و استدراج و غیر آنها است و چنین آغاز میشود:

«بسم الله و سلام على عباده الدين اصطفي بباب الاجتهد والخلوة وقصر الامر

و غير ذلك .

قال الامام ابو عبد الله العارث بن اسد المعاشری رضی الله عنه اعلم رحمک الله ان اهل طاعة الله قدموا بين يدى الاعمال . . .

آخر کتاب : « . . . قال احفظ لسانك ولا تقولن الا حقا واسكت فانك اذا فعلت ذلك ادخلتك في اصناف الغير والحمد لله وحده وصلي . . . » .

۲ - از برگ ۵۷ (ب) تابرگ ۶۲ (الف) « کتاب الصفات » است از تأییفات ابو سعید احمد بن عیسی الخراز از اجلة صوفیه که اصلا بعدادی بوده و بعدا بمصر رفته در آنجامعلومات تصوفی خود را پیش برده و بصحبت صوفیان بزرگی مانند ذوالنون سر سقطی و بشیر حافظی رسیده و در ۲۸۶ هجری در قاهره وفات یافته است . گویند نخستین کسی از صوفیه که فنا و بقا را مورد بحث قرارداده است او است .

این کتاب رسالت کوچکی است در باره اینکه عقبی را بدنیا ترجیع باید داد و چنین آغاز میشود :

« قال ابو سعید الخراز احمد الله الحمد لله الذي خلق العلائق حين اراد كما اراد فاحسن خلقهم و تمت مشیته بهم دعاهم الى الفهم . . . فما زلت اقوام الدنيا . . . فعجب الله فلم يفهم عن الآخرة . . . » .

آخر کتاب : « . . . ان هذا العلم هو ف (؟) لان كثيرا من المغارفين يحبون الله لأنفسهم و يذكرونها بأنفسهم و يريدونها لأنفسهم » .

۳ - از برگ ۶۲ (ب) تابرگ ۶۴ (ب) « کتاب الضياء » است که نیز از تأییفات خراز است و نسخه دیگری از آن معلوم نیست .

این رسالت از درجات جویندگان خدا (« طالبین ») بحث میکند و برای آنها هفت درجه فائق شده است .

آغاز رسالت : « الحمد لله المحتجب من الاوهام بعلوه المنفرد عن الافهام بعزته يعلم ما تكنه الصدور . . . » .

۴ - از برگ ۶۴ (ب) تابرگ ۷۰ (ب) « کتاب الكشف والبيان » است که نیز از تأییفات خراز است و نسخه دیگری از آن سراج ندارم و از این بحث میکند که مقام انبیا بالاتر است یا مقام اولیا ؟ و بالاخره مؤلف باین نتیجه میرسد که مقام انبیا بالا تر است و آنان در آخرت میتوانند شفاعت کنند و برای اثبات این نتیجه علاوه بر دلائل عقلی از قصص انبیا نیز مثالهای ذکر میکند .

آغاز : « بسم الله رب يسر قال ابو سعید . . . الغالق للبر الصادق . . . و انار

المناهج . . . بالأنبياء الذين أصطفا . . . أما بعد فان قوما من أهل التصوف غلطوا في التمييز بين مقام الأنبياء والآولياء فجعلوا مقام الأولياء أرفع من مقام الأنبياء وإنما ذلك سبب حرجاً بهم عن الحقيقة . . . » .

۵ - از برگ ۷۱ (ب) تا ۷۸ (الف) «كتاب الفراغ» است . خراز در این رساله که نسخه مزبور گویا نسخه منحصر بفرد آن باشد از این بحث میکند که انسان باید جان و دل خود را بذکر خدا مشغول سازد و از ما سوی الله فارغ باشد . آغاز رساله : « قال الشیخ ابوسعید . . . اعلم ان الخلق لو اشتغلوا بانفسهم فی ذکر المولی لتفرغوا عن دوئهم ولو جدوا فی ذکر ربهم غنیة عن ذکر مادونه . . . ». آخر رساله : « . . . فان لم يقدر ان يخرج من عيوبها فلا يعجز متساقها وبالله التوفيق والعون » .

۶ - از برگ ۷۸ (الف) تا ۸۷ (ب) «كتاب الحقائق» است . خراز در این رساله که یگانه نسخه آن همین است بعض تعبیرات را که در زبان شرع مصطلح است از نظر اهل معرفت یعنی متصوفه توضیح و تفسیر میکند ، مثلاً شرح میدهد که معنی عقل ، «خشیه» ، تواضع ، عدل ، طاعت و امثال آنها از نظر صوفیان چیست .

آغاز : « قال ابوسعید . . . الحمد لله حمد منقلب بقلبه فی ریاض منه و منتزعه بروحه تحت اشجار کرمه . . . أما بعد قد جمعت نی کتابی هذا مسائل عن طریق الحکمة على بیان الشریعة بلـان اهل المعرفة على الابـاز والاختصار ... وافتتحت ذلك بباب العقل ... قال نور فی القلب بهدی النفس الى اصول العمل . . . » .

۷ - از برگ ۸۸ (ب) تا ۱۳۳ (الف) «كتاب معيار التصوف و ماهيته» است که از سخنان ابوسعید الخراز و ابو یعقوب (ؑ) و سهل بن عبد الله التستری متوفی در سال ۲۷۳ یا ۲۸۳ گردآمده و حاوی بسیاری از تعریفات و توضیحات راجع بتصوف است . آغاز «بسمه . ذکر ماهیة التصوف، قوله عزوجل اننا خلصناهم بخالصۃ ذکری الدار و قیل هم اهل الصفوہ و ارباب الصفا . . . قال جعفر الصادق الصمافی هو محمد بن عبد الله والصوفی ابو بکر الصدیق لقوله من کان بعد محمدًا فان محمدًا قدما . . . » .

۸ - از برگ ۱۳۳ (ب) تا ۱۴۹ (ب) و از برگ ۲۰۹ (الف) تا ۲۲۰ (ب) «كتاب معرفة الاسرار» است . مؤلف این کتاب ابو عبد الله محمد بن علی الحکیم الترمذی است از صوفیان بزرگ خراسان که بنا بقول جامی (رك . ترجمة نفحات ،

استانبول ، ۱۲۸۹ ، ص ۱۶۹) در سال ۲۵۵ در گذشته است . این کتاب از اسرار خدا و احوال صوفیان بحث میکند، و نسخه دیگری از آن معلوم نیست .

آغاز آن : «الحمد لله الذي تفرد في أزلية، و توحد في ديمومته . . . ثم أنا شرحتنا الأحوال والاسماء التي قد خفي على بعض الناس . . . ان شعب الناظر فيه على طريق الصفا ويدل على اخلق المكارم والوفا . . . فصل في صفة اسرار الله . . . في طبقات اهل الارادة . . . في صفة . . . المرید المحقق . . . فصل فاما تمزيق الثياب في السماع . . . ». .

انجام آن : « . . . كذلك كونه يكون فانيا و علم الله باقيا و بالله التوفيق تم كتاب معرفة الاسرار . . . من كلام الشيخ ... ابی عبدالله . . . الترمذی . . . ». .

۹ - از برگ ۱۶۵ (الف) تا ۱۷۹ (الف) «كتاب شکایة اهل السنّة بحکایة ما بالهم من المحنّة» است . مؤلف این کتاب متصرف معروف ابو القاسم عبدالکریم بن هوازن الشیری (۴۶۵-۳۷۶) است که بعلت اشتها را ز معروفی بی نیاز میباشد . چنانکه میدانیم هنگامی که دولت سلاجقه بزرگ تشکیل مییافت مناقشاتی در علم کلام جریان داشت که وزیر عمیدالملک کندری نیز وارد آن جریان بود و این مناقشات سبب شد که اشخاصی مانند قشیری و امام الغرمین و دیگران که از علمای اهل سنت و اصولاً اشعری بودند به که فراز نمایند و شکایت‌نامه قشیری در این باب است .

اگر چه نسخ خطی شکایت‌نامه که قشیری آنرا هنگام اقامات در مکه نوشته است کم است ولی سبکی آن را به «طبقات الشافعیة الكبرى» وارد نموده و با آن طبع شده است (جلد دوم ، ص ۲۸۸ - ۲۷۶) .

آغاز آن : «بسمه . قال الاستاذ . . . القشیری الحمد لله المعجم في بلائه . . . ». .

۱۰ - از برگ ۱۸۰ (ب) تا ۲۰۸ (ب) «تفسیر فاتحة الكتاب العزيز» است . از قیدی که بر روی کتاب است معلوم میشود که ابن کتاب از کسی است بنام ابو محمد عبدالجلیل بن موسی الانصاری . در باره این مؤلف تقریباً چیزی معلوم نبست ولی از تاریخ ۶۰۵ که در نسخه خطی یکی از تألیفات او است معلوم میشود که قبل از این تاریخ میزبسته است و از آن نسخه نیز بیش از این چزی در باره ترجمه حالت معلوم نمیشود . ابن رساله که نسخه دیگری از آن برای من معلوم نیست تفسیر موجزی است از سوره فاتحه .

آغاز : «بسمه اعلم ان الله تبارک و تعالى ينزل باسمه الرحمن الرحيم الى عباده ليجدتهم اليه برسلمه و كتبه . . . ». .

انجام: « و تبری من العون بالمخلوقات فافهم فهمنا الله واياكم بمنه . . . » .

در کنار: « قوبل حسب الطاقة على الاصل » .

۱۱ - از برگ ۲۰۰ (الف) تا ۲۲۶ (الف) « کتاب صفة القلوب » است که تالیف حکیم قرمذی میباشد و نسخه دیگری از آن برای من معلوم نیست . این کتاب ماهیت تصوفی قلب را تشریح میکند و چنین آغاز میشود :

« بسم الله كتاب صفة القلوب قال الشـيخ ابو عبدالله التـرمذـي رحـمه الله الفـؤاد اول مدـيـنة من مدـائـين النـور و النـور سـبع مدـائـين اوـلـها الفـؤاد ثم الصـفـير ثم الـغـلاف ثم الـقلب ثم الشـفـاف ثم الـجـبة ثم الـلـباب . . . » .

۱۲ - از برگ ۲۲۶ (ب) تا ۲۳۲ (ب) « کتاب السماع » است از قشیری و نسخه دیگری از آن سراغ ندارم و از سماع و احکام آن بحث میکنند و چنین آغاز میشود : « الحمد لله خالق الارواح لكتشف . . . هذه فضول يخبر عن حقيقة السماع و احكامه و امارات صحته و اعلامه ذكرنا على حد الاختصار . . . » .

۱۳ - از برگ ۲۳۲ (ب) تا ۲۷۰ (ب) « کتاب ادب المرید » است . از این کتاب که تالیف ابو القاسم الحسین بن جعفر بن محمد الواقع وزان از متصوفین قرن پنجم هجری است نسخه دیگری در استانبول در کتابخانه ایاصوفیا موجود است . آغاز : « قال الحمد لله الذي خلقنا فما كمل خلقنا و ادتنا فاحسن تادينا . . . » .

۱۴ - کتاب شماره ۲۲۹۸ « کتاب الهيئة » است دارای ۴۴ برگ با بعاد $19/5 \times 12$ سانتیمتر مربع و هر صفحه‌ای دارای ۱۷ سطر بخط نسخ درشت . مؤلف این کتاب ابو علی الحسن بن الهيثم متوفی در سال ۴۳۰ است که از دانشمندان بزرگ فرون وسطی بوده و نزد اروپاییان به « الحزن » شهرت داشته است .

از این کتاب تا کنون فقط نسخه‌ای معلوم بود که در India Office بشماره ۱۵/۷۳۴ مقید و مربوط بقرن دهم هجری است (ر ک . O. Loth, A Catalogue of Arabic Manuscripts in the India Office, London, 1877, s. 213) .

این نسخه دارای ۱۵ برگ است با بعاد $11 \times 4/5$ اینچ و در هر صفحه‌ای ۲۳ سطر است بنا بر این اگر خطش خیلی ریز نباشد حتی از نسخه قسطمونی هم که بسیاری از اوراق آن محققان افتاده است باید ناقصتر باشد . پس نسخه قسطمونی نه تنها از لحاظ قدمت بلکه از این حیث هم که افتادگی کم دارد شایان اهمیت است .

قید استنساخ . «تم القول و الحمد لله . . . و كتب هذا الكتاب من النسخة التي نسخ (!) من نسخة الشيخ أبي القسم اليساطي بخطه ذكر أنه نقلها من نسخة بخط مصنف الكتاب الشيخ أبي على الحسن بن الهيثم و قابل عليها من أو لها إلى آخرها في رجب من سنة متسعين و أربعين». ^۱

در ذیر نوشه شده است :

«والنسخة المكتوب منه هذه النسخة عورض بهذه النسخة الاصل المذكور و هو بخط الشيخ أبي على بن الهيثم و صحيح و الحمد لله و كتب في رجب من السنة المذكورة ». آغاز : « بسم الله . . . قول الشيخ الفاضل أبي على . . . ابن الهيثم في هيئة العالم لم يزل كثير من اصحاب التعاليم من انعم النظر في علم الهيئة . . . يجردون قوله مرسلا . . . فنحن قائلون في هيئة العالم قوله يشتمل فيما نظن على كليات المعانى التي اليها انتهى ادراك الباحثين على حقائق العلوم التعليمية ». ^۲

۱۵ - «كتاب المرائد و الفلائد» بشماره ۷۷۴ و دارای ۷۸ برگ با بعد از ۱۵/۹ ۱۷/۵ سانتیمتر مربع و هر صفحه ای دارای ۱۰ سطر بخط نسخ نفیس و معرب . این کتاب که عموماً آنرا بابا الحسين محمد بن الحسين (یا الحسن) الاهوازی از رجال قرن چهارم هجری و گاهی به ظالبی و گاهی هم بر شید الدین و طواد نسبت میدهند در نسخه قسطمونی به ابوالحسین احمد بن محمد بن الحسن الاهوازی نسبت داده شده است که پسر همان محمد بن الحسين (یا الحسن) باید باشد . چنین شروع میشود : «الحمد لله العلي الكبير القوى القدير العليم الخبر السميع البصير . . . ». ^۳

و قید استنساخ آن چنین است : « على بن جوهر بن اسد بن على الجوهري الكتاب ، دمشق ، رجب ۵۶۴ ». ^۴

۱۶ - کتاب « اسماع الله و صفاته » بشماره ۲۱۰ و دارای ۳۹۱ برگ . مؤلف آن ابو بکر احمد بن الحسين البیهقی است از محدثین بزرگ شاعری که سال ۳۸۴ هجری در خسرو جرد نزدیکی بیهق تولد یافته و برای فراگرفتن احادیث بغداد و مکه و خراسان و عراق و حجاز و جبال مسافرت نموده و بسال ۴۵۸ در نیشابور درگذشته است . ^۵

این کتاب در باره اسماء حسنی و صفات خدا است که باستناد قرآن و حدیث و اجماع امت نوشته شده و نسخ خطی آن بسیار کمیاب است. یک مرتبه در سال ۱۳۱۳ در الله آباد و بار دیگر سال ۱۳۵۸ با مقدمه و حواشی مختصر محمد زاهد کوثری در قاهره منتشر یافته است. نسخه قسطمونی در سال ۱۳۵۶ استنساخ شده است و بنا بر قید سماعی که در اول کتاب است این نسخه از الحافظ ابوالقاسم علی بن الحسن بن هبة الله الشافعی یعنی از مورخ و محدث مشهور ابن عساکر روایت میشود، و چون این شخص در سال ۱۳۷۱ در گذشته است بنا بر این این نسخه باید همان باشد که پیش نامبرده خوانده و از او روایت کرده اند. بدیهی است که اگر کسی بخواهد از تو بنشر انتقادی این کتاب مهم اقدام نماید باید باین نسخه قسطمونی استناد کند.

قید روایت و آغاز کتاب: «حدتنا الشیخ الامام الثقة الحافظ ابوالقاسم علی بن الحسن بن هبة الله الشافعی قال قرأت على الشیخ ابیالحسن عبیدالله بن ابی عبد الله محمد بن ابی بکر احمد بن الحسین بن علی البیهقی قراءة علیه فاقربه ثم اخبرنا الشیخ ... ابوعبد الله محمد بن الفضل بن احمد بن محمد الفراوى الواقع الفقيه قراءة علیه بنیابور قال اخبرنا الشیخ الامام الحافظ ابوبکر احمد بن الحسین بن علی البیهقی رحمة الله عليه قراءة علیه في شعبان سنة تسع واربعين واربع مائة .

قال كتاب اسماء الله ... باب ائمّات اسماء الله تعالى ذكره بدلالة الكتاب و السنة و اجماع الامة ...».

مجموعه شماره ۱۲۷ که دارای ۱۴۳ برگ میباشد حاوی شش کتاب است بقرار ذیر:

۱۷ - اول از برگ ۱ (الف) تا برگ ۷ (ب) «كتاب الجواهر» است که از تألیفات ابو حامد محمد بن محمد غزالی متوفی در ۵۰۵ میباشد. از اول این نسخه چند برگ افتاده است.

۱۸ - دوم از برگ ۸ (ب) تا ۷۰ (الف) «كتاب الأربعين في اصول الدين» است که از تألیفات معروف غزالی است.

۱۹ - سوم از برگ ۷۱ (ب) تا ۷۸ (ب) «كتاب قواسم الباطنية» است که نیز از تألیفات غزالی میباشد. چنانکه میدانیم غزالی با هر مذهبی که مخالف مذهب تسنن بود و از جمله با مذهب باطنیه مخالفت سختی داشت. از کتابهایی که غزالی در این باب نوشته است تا کنون فقط «المستظہری» دردست بود که از آن هم نسخه ناقصی

انتشار یافته بود، «کتاب قواسم الباطنية» نیاز این قبیل کتابها است که غزالی بر شته تحریر در آورده است و چون وجود آن قبل معلوم بود بنا بر این در صحبت آن هم جای شبیه و تردید نیست.

«قواسم الباطنية» یک رسالت هفت برگی است و چنانکه خود مؤلف اظهار میکند آنرا بخواهش یکی که ازوی نام نمیرد نوشته و در آنجا مطالبی را که در «المستظری» بتفصیل شرح داده است بطور اجمالی بیان میکند و میگوید:

و ابتدأت ب توفیق الله لا سماfolk الى ما التمste من کلمات وجیزة جلیة يقصم ظهور الباطنية و يستأصل دابر اباطیلهم . . . يستفینی ایجازها عما طولنام به النفس فی الكتاب الملقب بالمستظری . . .

پس از این مقدمه کوتاه بلا فاصله وارد موضوع میشود و افکار باطنیه را چهار بخش کرده بطلان هر بخشی را جدا کانه با دلائل منطقی اثبات میکند.

اول رسالت: «استوفیق الله الذي لم يلد بیابه مخلص الاعصم و لم يتمردا عن عبودیتہ بجبار الاقسمه . . . و ابتدأت . . .»

آخر آن: « . . . فان جازلك ان تعرف بنظر المقل صدقه و ان كان ذلك مخالف جازلي ايضاً ان اعرف هذه المسائل نور معلم و ان كان لى فيها خلاف ».

۲۰ - چهارم از برگ ۷۹ (ب) تا ۹۶ (ب) کتاب «المنقد عن الضلال» است که از تألیفات غزالی میباشد و در ماه ذی القعده ۵۴۳ هجری استنساخ شده است.

۲۱ - پنجم از برگ ۹۷ (ب) تا ۱۲۵ (ب) «القسطاس المستقيم» است که نیز از تألیفات غزالی است و تاریخ استنساخ آن بوم الاحد ۲۶ محرم ۵۴۴ است و در حاشیه قبیه مقابله نیز دارد.

۲۲ - ششم از برگ ۱۲۶ (ب) تا ۱۴۳ (ب) کتاب «الجام العوام عن علم الكلام» است که آن هم از تألیفات غزالی میباشد.